

## «رساله‌ی قدّوسیه» و انعکاس مسائل عدل و احسان

عَلَم‌خان کوچرف\*»

در تعلیمات دینی و اخلاقی حضرت امیرجان [میر سید علی همدانی] «رساله-  
ی قدّوسیه» که حجماً خرد و مضموناً برجسته می‌باشد، مقام ارزنده دارد. این اثر با  
مقدمه‌ی مختصر سنتی سوره‌ای از قرآن مجید، انجام می‌پذیرد. این اثر به بابها تقسیم  
نشده، موضوعات پی در پی آن بواسطه‌ی تکرار خطابه‌ی «ای عزیز» تأمین می‌گردد.

زبان اثر ساده، روان و موجز می‌باشد. تناسب کلام، سجع، توصیفِ عالی و  
واسطه‌های تصویر، منطق گفتار را پرقوت و شیوه‌ی بیان را جذاب و گوارا  
نموده‌اند. ولی چنان که می‌باید، هنگام تصویر طاعات بدنی و تأثیر ماهیت و باطن  
نماز، اسلوب علمی-تصوفی بیان به درجه‌ای بالا می‌گیرد که فهم خواننده‌ی عادی  
به درک عمیق گفتار این متفکر نمی‌رسد. در این حالت، به تعبیر این بزرگوار: «ز  
منزل هوس یک دو گام پیش نهادن درکار».

نسخه‌ی مورد استفاده‌ی ما با خط خوانای نستعلیق کتابت گردیده، سال نوشتن و اسم نویسنده‌ی آن معلوم نیست. در این نسخه بعضی خطاها از قبیل: افتادن و اضافه گردیدن کلمه، جایگزین شدن یک کلمه به جای کلمه‌ی دیگر، جا عوض کردن و تکرار بعضی کلمه و ترکیب‌ها مشاهده شد.

ما مطابق امکانات، نسخه‌ی مذکور «رساله‌ی قدّوسیه» را تهیه نموده، توسط مطبعه‌ی شهر کولاب با خطّ سربلیک پیشکش خوانندگان نمودیم. حسن و قبح این نسخه و دشواری تهیه‌گری ما، هنگام دسترس گردیدن نسخه‌های دیگر این اثر، روشن خواهد شد.

در «رساله‌ی قدّوسیه» مسائل اخلاق حمیده در دین مبین اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. متفکّر دو راه پاک شدن از گناه و به سعادت اخروی رسیدن را تأکید کرده است:

الف) عبادت بدنی چون نماز و روزه، تلاوت قرآن، امر به معروف، نهی از منکر، که حقوق الله است.

ب). طاعت مالی چون زکات و صدقه، عمارت پُل و رباط، دستگیری ضعیفان و درماندگان و نوازش بینوایان که به خلق تعلق دارد. و در هر دو مورد پاکی و راستی و سخاوت و عدالت شرط اساسی نایل شدن به مقصود می‌باشد.

قابل ذکر است که تعلیمات اخلاقی متفکّر، میر سید علی بر اساس مکافات و مجازات عمل در روز قیامت بنیاد گردیده است و این اصول بیان اندیشه ذی قیمت اخلاقی و تعلیمی و تربیتی رساله را به درجات افزوده است؛ «ای عزیز، هر احسانی

که از دست و زبان تو به بندگان حق رسد، گنجی است از گنج‌های عقبی که قابل زوال و فنا نیست. امروز که قدرت داری، از گنج‌های باقی چندان که می‌توانی، بنه که در روز ماندگی تو را دست گیرد».

همین طریق، بهترین راه پاکی و مبرایی برای طبقه‌ی اهل احسان می‌باشد. به قول حضرت امیرجان احسان، خیر و سخاوت باید از حساب مال با محنت [کار] حلال به دست آمده باشد. البته، با راه محنت حلال گرد آوردن، بسا دشوار است و صاحب ثروت در راه اندوختن گنج، به عذاب و مشقت و سختی‌های زیادی رو به رو می‌شود. این است که به کار خیر صرف نمودن چنین ثروت سبب نیکنامی دنیا و سعادت آخرت است.

اما ثروتی که با راه حرام‌کاری و حرام‌خواری به دست درآمده است، بقا ندارد. این گنج که از راه حرام آمده است، به حرام‌خواران بیرون رود و به کاری خرج شود که سبب بدنامی دنیا و گرفتاری قیامت گردد. پاکی و مبرایی حاکمان و پادشاهان موافق «رساله‌ی قدّوسیه» بواسطه عدالت ظاهر می‌شود. عدالت و لطف و مرحمت راهبران معنای وسیع و پُرگنجایش داشته، تمام رکن‌های فعالیت و سیرت و صورت سیاستمداران را در خود تجسّم نموده است.

حاکم عدالت‌پیشه صاحب عقل و خرد کامل باشد تا که فعالیت او به تمام معیارهای سیاستمداری بتواند جواب گوید؛ حاکم عدالت‌پیشه دارای معرفت بلند که سیاست او از دایره‌ی انصاف تجاوز نکند و حاکم عدالت‌پیشه دارای اراده‌ی مستحکم که در سختی‌های روزگار از نومیدی گوشه‌گیر باشد، در این رساله تأکید گردیده است؛ «آخر در آن روز (عرصات) اگر توقّع عفو و غفران داری از آن

حضرت، در دنیا به بندگان او با عدل و احسان معامله کن و این وقتی میسر است که پیران را چون فرزند باشی و جوانان را چون برادر و طفلان را چون پدر و مظلومان را ناصر و ظالمان را قانع و فاجران را قاسیه و مطیعان را معین و در قول صادق و در عهد واثق و در نعمت شاکر و در محنت صابر و در عمل مخلص و در رفعت متواضع و در جمال پارسا».

نکته‌های پندی و اخلاقی «رساله‌ی قدوسی» فقط در زمان ما، در زمانی که جامعه به اخلاق حمیده بیشتر نیازمند است، باز هم اهمیت بیشتر کسب کرده است. آشکاری مضمون، طبیعی بودن بررسی و فصیح بودن نتیجه‌گیری به گفتار متفکر، قوه‌ی فوق‌العاده‌ی جاذبه عطا نموده است، به درجه‌ای که هر یک نقطه به قلب خواننده فهیم عمیقاً مسکن گرفته، او را به اندیشه وادار می‌کند. به فکر این بزرگوار، هر یک حاکمی باید «همچنان که در حرم اهل بیت خود توقع عصمت و صلاح دارد، اهالی و حرم‌های جمع مسلمانان را همچنان باور کند و به هیچ وجه نظر خیانت روا ندارد و چون کسی را به کار خیر دلالت خواهد به آن عمل کند، زیرا که نظر خلق بر فعل ناصح بیشتر از آن است که بر قول وی. جهد کند تا پیش از آن که واصل خیر باشد، موصوف به خیر گردد».

در این پارچه دو رشته‌ی عدالت، یکی خیانت نکردن و دوّم یگانگی قول و عمل مورد بررسی قرار گرفته است. در حقیقت اگر راهبر به تمام آدمیان مثل اعضای خانواده خود غمخواری نماید و برای عملی نمودن گفته‌هایش از همه پیشتر، خود کمر همت بسته، فعالیت نشان دهد، البته، عزیز و شریف همگان می‌شود. معلوم است که همه راهبران در گفتار خیراندیش و عدالت‌پیشه‌اند، اما مردم به آنها از روی کار و عمل و کردارشان بها می‌دهند. از این رو، به قول حضرت امیرجان،

معیار اساسی قدر و منزلت حاکمان نزد جامعه، فقط فعالیت خیرخواهانه‌ی آنها باشد، نه سخنوری و سخن‌پردازی بی‌بنیاد.

رشته‌ی دیگر عدالت در نظر متفکر مسئولیت‌ناکی [مسئولیت‌پذیری] و دوراندیشی است. به نوعی که ذکر شد، راهبر عدالت‌پیشه نسبت به طبقه‌های دیگر جامعه مسئولیت بیشتری به دُمّه دارد. او نباید از مساعدت موقتی زندگی و آرامش نسبی مملکت آسوده شود و از گردش‌های نامطلوب ایام و نشیب و فرازهای روزگار نافرجام غافل ماند. راهبر باید بسان مرغان هوا زیرک، مثل پیران خردمند دوراندیش و چون کدبانوی عاقله صرفه‌کار باشد، تا که در مدهش‌ترین لحظه‌های زندگی هم، مردم را از ورطه‌ی هلاکت بتواند برهاند؛ «ای عزیز، یقین دان که بعد از هر مرادی نامرادی خواهد بود و عقب هر فراخی، تنگی و در پس هر راحتی، محنتی و در پی هر دولتی، ذلتی و در طی هر نعمتی نعمتی. پس، اگر چه نعمت بسیار بود، اسراف مکن و به قدر حاجت کفایت کن و در وقت نعمت از حال محنت‌زدگان بیندیش و در وقت فراخی، محتاجان را دستگیری کن که البته، مکافات و مجازات خواهد بود».

باید گفت، که در نظر حضرت امیرجان عدالت مثل ترازوی حسّاسی است که موازنت پلّه‌های آن تنها در صورت موافقت کلی تمام رشته‌های سیاستمداری تأمین می‌گردد و اگر برابری پلّه‌های ترازو ذره‌ای کاهش یابد، مرتبه و قرب و منزلت راهبر نیز خلل‌دار می‌گردد.

پس، راهبر عدالت‌پیشه را ضرور است که برابر مردم تهجایی [یکجا نشین]، به اشخاص از خارج کشور آمده نیز توجه نموده، به آنها مطابق وضعیت و کردارشان

برخورد نماید؛ «ای عزیز، اگر در ولایت تو یک گرسنه یا برهنه رسیده باشد و تورا از حال وی خبر نبود و تفقّد حال وی نکنی، تورا از مرتبه‌ی اهل تقوا هیچ نصیب نبود».

همین طریق، تار و پود مندرجه‌ی اخلاقی «رساله‌ی قدّوسیه» را رشته‌های عدل و عدالت تشکیل داده‌اند. به مفهوم عدل ارزیابی کردن تمام جنبه‌های علم مملکت-داری، صنعت سیاستمداری و مهارت کاربری حاکمان گواه بر آن است که شاه همدان طنطنه‌ی عدالت را تنها به فضل و خرد و ذکاوت‌مندی و دوران‌دیشی راهبران وابسته نموده است.